

## کردهای سوریه: الگوی سنجش وزن اقلیت



فدیر نصری\*  
آرمان سلیمی\*\*

nasrister@gmail.com

armansalimi567@yahoo.com

\* استادیار علوم سیاسی در دانشگاه خوارزمی تهران

\*\* کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران

تاریخ تصویب: ۹۳/۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۷

فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۶۸-۳۳.

## چکیده

در پی وقوع درگیری بین نیروهای دولتی، سلفی‌ها و کردهای سوریه و در نهایت تشدید و تطویل بحران داخلی سوریه (۲۰۱۳-۲۰۱۱)، نقش و رویکرد کردهای سوریه در معادلات سیاسی این کشور مورد توجه زیادی قرار گرفته است. کردهای سوریه در حال حاضر کنترل سیاسی و اداری بیشتر مناطق کردنشین را در دست گرفته‌اند و در قالب دو جنبش «شورای ملی کردهای سوریه» و «شورای خلق غرب کردستان» در پی کسب آزادی و حقوق مدنی خود هستند. در این میان، بررسی واقع‌بینانه بودن خواسته‌های کردها با توجه به ظرفیت‌ها و دشواری‌های پیش‌روی آنها در تحولات آتی سوریه مسئله‌ای بسیار مهم است. واقعیت این است که در سال‌های پس از ۲۰۰۳ و با تثبیت جایگاه کردهای عراق در سطح داخلی این کشور، موجی از تقاضاها از سوی کردهای سوریه برای دفاع و ابراز هویت خود به نقطه حساسی رسیده است. اما در مسیر تحرک کردهای سوری برای کسب خواسته‌هایشان مانند اداره محلی مناطق و یا ایجاد منطقه فدرال در مناطق کردنشین مجموعه‌ای از دشواری‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد. پیچیدگی‌های منطقه‌ای و الزامات بین‌المللی، اکنون موضوع کردها را به یک مسئله تبدیل کرده است. در مقاله حاضر، راه‌حل‌های احتمالی این مسئله واری می‌شود و بر این پرسش تمرکز می‌کنیم که با توجه به مجموعه‌ای از پتانسیل‌ها و دشواری‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، کردهای سوریه کدام‌یک از گزینه‌های ادغام، خودمختاری و استقلال را در پیش دارند؟ طبیعی است که پردازش و آزمون هریک از سناریوها مستلزم الگویی مناسب و داده‌های گوناگون و جدید است. بر همین اساس از «الگوی سنجش وزن اقلیت‌های قومی» بهره خواهیم گرفت تا این فرضیه را مورد آزمون قرار دهیم که قابلیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کردهای سوریه در کنار ملاحظات امنیتی قدرت‌های دخیل در امور سوریه، مانع استقلال و نیز باعث کم‌رنگ شدن احتمال خودمختاری کردهای سوریه شده و آن‌ها را به سمت خوشه‌ای پرتوان در قالب جمهوری عربی سوریه سوق می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** کردهای سوریه، اقلیم کردستان عراق، شورای ملی

کردهای سوریه، حزب اتحاد دموکراتیک، اقلیت‌های قومی، تطویل بحران

## مقدمه

وجود جمعیتی از کردها در سوریه همواره یکی از موضوعاتی بوده که به شدت مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. اساساً کردهای مقیم سوریه به‌عنوان اقلیتی ۱۰ درصدی از جمعیت سوریه طی سال‌های متمادی جایگاهی در عرصه پژوهشی محققان نداشته‌اند، که این امر را می‌توان ناشی از دو علت مهم دانست. یکی به دشواری و نبود اطلاعات در زمینه کردها در سوریه برمی‌گردد و دیگری، جمعیت کم کردهای سوریه و انفعال این گروه جمعیتی طی سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۹۱ است. با این وجود در دهه ۱۹۹۰ با توجه به تحولاتی که در سطح بین‌الملل و به‌ویژه منطقه خاورمیانه به‌وقوع پیوست، در چارچوب مباحثی همانند دفاع از حق تعیین سرنوشت، حقوق اقلیت‌ها و مهم‌تر از همه مسئله دفاع از کردهای عراق در برابر جنایات‌های **صدام حسین**، شاهد شکل‌گیری موجی از هویت‌خواهی در میان کردهای سوریه بوده‌ایم.

هم‌زمان با خروج انگلستان و فرانسه از سوریه در سال ۱۹۴۶ و در پی آن استقلال این کشور روابط حسنه‌ای میان کردها و اعراب در این کشور وجود داشت. اما سوریه مستقل تحت حکومت بورژوازی عربی که از دامن جبهه ملی‌ای برخاسته بود که پایگاه آن زمین‌داران بودند، به‌زودی ایدئولوژی پان‌عربی را اتخاذ کرد و مانند همه کشورهای عربی از شناختن حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی سر باز زد (کندال و دیگران، ۱۳۷۲: ۲۵۹). بدون تردید وضعیت کردها در طول تاریخ سیاسی تشکیل سوریه جدید ارتباط وثیقی با اعمال سیاست تعریب (عربی‌کردن) دارد. اما مسئله این است که کردهای سوریه پس از انفعالی نیم‌قرنی در طول یک دهه اخیر، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۴ خواستار به‌رسمیت شناختن و احقاق حقوق مدنی خود



شده‌اند.

در همین راستا، شروع بحران داخلی در سوریه در سال ۲۰۱۱ وضعیت جدیدی را برای کردهای ساکن این کشور ایجاد کرده است که آنان علاوه بر تقاضا برای شناسایی<sup>۱</sup> خواستار حق کنترل سیاسی و اداری بر مناطق کردنشین شده‌اند. اما در این میان پرسشی که در مورد وضعیت کردهای سوریه در شرایط فعلی و آینده آنها مطرح می‌شود این است که با توجه به مجموعه‌ای از پتانسیل‌ها و دشواری‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، کردهای سوریه کدام‌یک از گزینه‌های ادغام، خودمختاری و استقلال را در پیش دارند؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش اساسی مطرح می‌شود این است که قابلیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کردهای سوریه در کنار ملاحظات امنیتی قدرت‌های دخیل در امور سوریه، مانع استقلال و نیز کم‌رنگ شدن احتمال خودمختاری کردهای سوریه شده و آنها را به سمت خوشه‌ای پرتوان در قالب جمهوری عربی سوریه سوق می‌دهد.

در مورد پرسش مطرح شده می‌توان نقش عوامل مختلف را در سطح داخلی سوریه و جامعه کردنشین سوریه و همچنین عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی را برای تعیین وضعیت و جایگاه کردهای سوریه در شرایط کنونی و در آینده مهم ارزیابی کرد. از این رو، در راستای پرداختن به وزن اجتماعی - سیاسی کردهای سوریه، در ابتدا مروری تحلیلی بر پیشینه و روند حرکت قومی کردها در سوریه خواهیم داشت و در ادامه احزاب و جریانات سیاسی کردها در سوریه برای آگاهی از روند تحرک تشکیلاتی آنان مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد. سپس در ادامه نوشتار، ظرفیت‌ها و دشواری‌های تحرک کردها در آینده تحولات سوریه مورد بحث قرار می‌گیرد؛ و در نهایت عوامل تعیین‌کننده حرکت کردها در سال‌های پیش‌رو به‌عنوان چشم‌اندازی به آینده کردهای سوریه ارائه می‌شود.

### ۱. چارچوب مفهومی: الگوی سنجش وزن اقلیت‌ها

همان‌گونه که گذشت، حدس علمی مقاله این است که مجموعه‌ای از معادلات داخلی سوریه و نیز تحولات و تحرکات منطقه‌ای - بین‌المللی، ساختار اجتماعی -

---

1. Recognition

سیاسی سوریه را به مرز تحول سوق می‌دهد و کردهای سوریه به‌عنوان یکی از موضوعات این تحول، در معرض انتخاب‌های متعارضی قرار گرفته‌اند که سه مورد مشهور آن عبارتند از: ادغام، خودمختاری و استقلال. منظور از ادغام<sup>۱</sup>، ترمیم مرکزگرایی پیشین و تبدیل کردهای سوریه به بخشی از جمهوری عربی سوریه است. خودمختاری<sup>۲</sup>، منوط به پذیرش ساختار فدرالیسم در قانون اساسی جدید سوریه و اعطای خودمختاری محلی به کردهای سوریه و پدیداری تشکیلاتی به‌منابه اقلیم کردستان عراق به کردهای این کشور است و گزینه استقلال بر تجزیه کامل کردهای سوریه دلالت دارد که در پرتو آن کشور جدیدی متشکل از دو میلیون کرد در صفحات شمالی سوریه، پدیدار می‌شود.

تحقق هریک از این سناریوهای سه‌گانه وابسته به ساخت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری یک خوشه هویتی (در اینجا کردهای سوریه) و نیز خواست قدرت‌های دخیل در ماجرای سوریه و کردهای منطقه خاورمیانه است. برای سنجش تحقق‌پذیری یا امتناع هریک از سناریوها از «الگوی سنجش وزن اقلیت‌ها» کمک گرفته‌ایم. این الگو، از سوی *تد رابرت گر*<sup>۳</sup> در پژوهشی با عنوان «ملت‌ها در برابر دولت‌ها» (Gurr, 1996) مطرح و اخیراً از سوی محقق دیگری با عنوان «الگویی برای سنجش وزن حرکت‌های دینی، قومی و مذهبی» مطرح و منتشر شده است (نصری، ۱۳۹۰).

با تأمل در این الگو گزاره‌ها و چشم‌اندازهای روشنگری به ذهن می‌رسد. به این مضمون که برای درک وزن واقعی حرکت‌های یک اقلیت و کارنامه و برنامه آن، بر دو دسته شاخص‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تمرکز می‌شود و طبق وزن آن شاخص‌ها، حرکت یک اقلیت به سه دسته امنیتی، مؤثر و عادی تقسیم می‌شود. حرکت یک اقلیت، هنگامی امنیتی<sup>۴</sup> دیده می‌شود که آن حرکت بتواند تمامیت ارضی، انسجام اجتماعی و یا حکومت سیاسی یک کشور مستقل را متحول کند. اما

- 
1. Integration
  2. Autonomy
  3. T. R. Gurr
  4. Securitization





حرکت مؤثر، آن است که سبب تغییر در نظام‌های حقوقی شود و در چارچوب تمامیت ارضی یک کشور باشد. اما حرکت‌های عادی، به اقدامی گفته می‌شود که وقوع آن طبیعی است و راه‌حل آن در مجموعه قوانین عادی کشور پیش‌بینی شده است.

مؤلفه‌های سخت‌افزاری که می‌توانند وزن امنیتی یا غیرامنیتی یک اقلیت را روشن کنند عبارتند از: عمق استراتژیک و مساحت سرزمینی: مساحت سرزمینی می‌تواند ضمن اسکان جمعیت پرتعداد، زمینه توسعه، مقاومت و حتی حمله (آفند) و ضدحمله (پدافند) علیه نیروی مهاجم را میسر کند؛ تعداد و تراکم جمعیت: طبق الگوی مورد استفاده ما در این پژوهش، جمعیت پرتعداد متناسب می‌تواند نیروی تولیدی (کارگر ماهر)، نیروی رزم (سرباز) و شهروند فعال (نیروی سیاسی) مورد نیاز را مهیا سازد و گروه پرجمعیت، خودبه‌خود سه رکن اقتصادی، نظامی و سیاسی یک واحد سیاسی را پایه‌گذاری می‌کند؛ هم‌جواری با گروه‌های حامی در فراسوی مرزهای ملی: طبق این شاخص، داشتن منطقه پشتیبان و مواضع فرار سبب افزایش روحیه خود ابرازی<sup>۱</sup> گروه می‌شود و آنها را در قبال یکسان‌سازی و نابودی، مصونیت می‌بخشد؛ برخورداری از منابع طبیعی حیاتی: منابع طبیعی حیاتی، موادی هستند که ضمن تأمین زیرساخت‌های اقتصادی در داخل، مشتریان متعدد و مهمی دارند که حاضرند برای ادامه حیات اقتصادی خود، منابع حیاتی را خریداری کنند و نسبت به عرضه مداوم و آسان آن منبع یا منابع، مطمئن باشند. در حال حاضر مواد طبیعی حیاتی، شامل نفت، گاز و آب شیرین است که حیات کلی و رونق اقتصادی کشورهای بسیاری به وجود آنها بستگی دارد.

علاوه بر چهار عنصر سخت‌افزاری یادشده، عناصر دیگری هم در سنجش وزن حرکت‌های یک اقلیت (در اینجا اقلیت کردهای مقیم شمال و شرق سوریه) مؤثرند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- همسویی با گفتمان مسلط بین‌المللی: اصولاً در مقاطع مختلف زمانی، یک گفتمان (مثلاً ملی‌گرایی یا حقوق بشر) بر گفتمان‌های دیگر غلبه می‌کند و به



هنجاری مسلط تبدیل می‌شود. اگر مطالبات یک گروه یا یک اقلیت با آن گفتمان مسلط هم‌سو باشد، به‌طور خودکار، مجموعه‌ای از امکانات بین‌المللی در اختیار آن گروه قرار می‌گیرد. عکس این معادله هم صحیح است؛ یعنی در صورت وجود تعارض بین مطالبات یک گروه (مثلاً خواست بنیادگرایانه سلفی‌های ایران)، و گفتمان مسلط بین‌المللی (مثلاً فضیلت مدنی و آزادی بیان یا حقوق شهروندی)، هزینه خودابرازی مضاعف می‌شود و کمتر نهاد یا بازیگری حاضر به پشتیبانی از گروه مورد نظر است.

- تجربه مبارزه گروهی، تجربه یا پیشینه مبارزه گروهی (در اینجا قومی)، در درازای زمان، موجب هویت‌سازی و کادرسازی می‌شود. در خلال فرازوفروندهای مبارزه، استعدادها و ضعف‌های گروه سنجیده می‌شود و نخبگان و فعالان گروه می‌کوشند مواضع آسیب‌پذیر را بهبود و توانمندی‌ها را ارتقاء دهند.

- آگاهی گروهی: آگاهی گروهی عبارت است از سواد سیاسی اعضای گروه و آشنایی نهادینه‌شده آنها با شیوه توزیع فرصت‌های اقتصادی - اجتماعی. آگاهی گروهی، خود معلول عواملی چون تحول نسلی، دسترسی به رسانه مؤثر و انعطاف‌پذیری ساختار سیاسی اکثریت است. به‌عنوان مثال آگاهی گروهی فرانسویان مقیم کبک در کانادا بسیار بالاتر از آگاهی گروهی شیعیان هند است. شیعیان هند به‌رغم جمعیت چهل میلیون نفری، اقلیت مؤثری نبوده‌اند.

- رهبری خردمند: <sup>۱</sup> رهبری خردمند به تجمیع هوشمندانه منابع و ایضاح مطالبات اشاره دارد. این قبیل رهبران ضمن شناخت منطق قدرت (مثلاً اقتصاد، نظامی‌گری یا هنجارسازی) و مناطق تمرکز آن، مخاطره نمی‌کنند و مدام با بازگشت زمان بر حقانیت مطالبات گروه می‌افزایند. در مقابل، رهبری هیجانی یا عاطفی، ضمن قهرمان‌سازی، منابع موجود گروه را صرف مطالبات غیرقابل حصول می‌کنند و با خلاصه کردن هویت گروه در شخصیت خود، سرنوشت گروه را به حیات خود گره می‌زنند. طبق این شاخص، رهبران خردمند معمولاً به ایضاح مطالبات گروهی و کادر رهبری خردمند می‌پردازند. بر این اساس، کردهای عراق در مقایسه با کردهای



سوریه، رهبران موفق و خردمندتری داشته‌اند.

- مشروعیت سیاسی و کارآمدی اقتصادی مرکز: پیدایش و گسترش مطالبات اقلیت گروهی، به حقانیت داخلی و وجاهت بین‌المللی اکثریت حاکم در مرکز ربط وثیقی دارد. اکثریت مشروع و کارآمد، می‌تواند هزینه مقاومت و سرکشی اقلیت را به شدت افزایش دهد و اکثریت بی‌کفایت (در داخل) را رسوا<sup>۱</sup> و در در عرصه بین‌المللی، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را وسوسه می‌کند تا بخت سیاسی خود را بیازمایند و از طریق پشتیبانی از اقلیت مورد نظر، توان چانه‌زنی خود را افزایش دهند.

- پشتیبانی یک یا چند قدرت مؤثر خارجی از گروه مورد نظر: اقلیتی که برای نفی تبعیض یا احراز حقوق برابر اکثریت به‌پا می‌خیزد، هنگامی قادر به استمرار فعالیت گروهی است که تکیه‌گاه مناسبی هم داشته باشد؛ در غیر این صورت به سرعت وادار به تسلیم خواهد شد. قدرت‌های خارجی (اعم از منطقه‌ای یا جهانی) معمولاً به دلایل هویتی، سیاسی یا اقتصادی در مورد اقلیت‌ها موضع می‌گیرند. پشتیبانی تمام‌عیار شوروی از **سید جعفر پیشه‌وری**، رهبر فرقه دموکرات و ایالت خودمختار شده آذربایجان، یا پشتیبانی سوریه از حزب‌الله لبنان فقط نمونه‌هایی از دخیل بودن یک یا چند قدرت خارجی در تحركات اقلیت است. مهم‌ترین پیامد دخیل شدن قدرت‌های متعدد و متعارض در تقابل اقلیت - اکثریت، تطویل اختلافات و بین‌المللی شدن موضوع مورد منازعه است.

- ایدئولوژی بسیج‌گر: واپسین مؤلفه نرم‌افزاری در تعیین وزن یک اقلیت (اعم از دینی، مذهبی و قومی)، ایدئولوژی بسیج‌گر است که نیرویی گرمابخش در پیگیری خواسته‌های گروهی به‌شمار می‌رود. ایدئولوژی گروهی، می‌تواند تحمل سختی‌های ناشی از مبارزه را تسهیل کند و از طریق دگرسازی و غیریت‌پروری ایدئولوژیک، انسجام گروهی را حفظ کند. ایدئولوژی هم منابع متعددی دارد؛ علقه خونی، همبستگی خونی، اشتراک دینی - مذهبی و گرایش مشترک سیاسی همگی می‌توانند گروهی خاص را به‌لحاظ ایدئولوژیک تغذیه کنند. در غیاب ایدئولوژی



بسیج‌گر، فعالان قومی ناچارند به عناصر مادی بسیج متوسل شوند که در قیاس با منابع فرامادی<sup>۱</sup> کارایی محدودی دارد. به‌عنوان نمونه نمی‌توان به نقش مذهب شیعه در بسیج شیعیان لبنان یا علایق قومی در بسیج کردهای ترکیه اشاره کرد که در قامت یک ایدئولوژی بسیج‌گر، مطالبات هویتی را تغذیه می‌کند.

مطابق داده‌های استخراج‌شده از یازده شاخص فوق (چهار شاخص سخت‌افزاری و هفت شاخص نرم‌افزاری) می‌توان اقلیت‌ها را به سه دسته **کلیدی**، **مهم و خنثی** تقسیم کرد. کلیدی بودن یک اقلیت به این معناست که آن گروه به واسطه برخورداری از عناصر سختی مانند سرزمین پهناور، جمعیت پر تعداد، آگاهی قومی یا ایدئولوژی بسیج‌گر قادر است به‌صورت مستقل زندگی کند. اقلیت مهم هم به اقلیتی اطلاق می‌شود که دارای قابلیت‌های بازدارنده و تخریبی مؤثری است. اما چنین اقلیتی قادر به ادامه حیات در قامت یک دولت - ملت نیست. بالاخره اقلیت خنثی یا مطرود<sup>۲</sup> اقلیتی است که فاقد یازده شاخص پیش‌گفته است و در معرض ادغام و یکسان‌سازی قرار دارد.

همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد کردهای سوریه از لحاظ مؤلفه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، موقعیت بسیار شکننده‌ای<sup>۳</sup> دارند و به‌لحاظ منابع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هرگز قادر نیستند به‌تنهایی سامان مستقلی برپا کنند. باوجود مساحت محدود، جمعیت پراکنده، منابع حیاتی اندک، بی‌تجربگی سیاسی و فقدان کادر رهبری مؤثر، کردهای سوریه توانسته‌اند چند شهر شمالی سوریه را به کنترل خود درآورند. آنچه سبب انبساط سیاسی کردها در سوریه شده است، افول کنترل دمشق و بروز هرج و مرج سیاسی در منطقه است. آگاهی فزاینده کردها نسبت به حجم و تراکم تبعیض‌های اعمال‌شده نیز نقش مهمی در خیزش آنها داشته است. اما همه این زمینه‌های مساعد برای برپایی منطقه‌ای خودمختار و فراتر از آن مستقل، ناکافی‌اند. جمعیت دو میلیون نفری، سنن غیردموکراتیک، هژمونی ترکیه، تنگنای استراتژیک و تنوع بسیار زیاد میان جریان‌های سیاسی کرد سوریه، آنها را بیش از

- 
1. Postmaterial
  2. Pariah Minority
  3. Fragile



همیشه به انتظار آینده دمشق و خواست امریکا نشانده است. مهم‌ترین خواسته آنها تعمیم الگوی عراق به سوریه است. سیاست‌های اعلامی امریکا نیز در راستای همین آرزوی کردهاست. اما تردید امریکا و غرب در تعمیم الگوی عراق به سوریه، فضا را برای نوعی هرج و مرج خلاق<sup>۱</sup> آماده کرده است. در چنین فضایی آنچه تعیین‌کننده است مصادیق عینی یازده مؤلفه مندرج در «الگوی سنجش وزن اقلیت‌ها» است. برای فهم این مصادیق لازم است وزن کردهای سوریه را مورد بررسی عینی قرار دهیم.

## ۲. تاریخ تحول کردهای سوریه

نگاهی به تاریخ سوریه در قرن بیستم نشان می‌دهد که این کشور بنا به ملاحظات ایدئولوژیک (بعث عربی)، استراتژیک (هم‌جواری با ترکیه، اسرائیل و عراق) و انرژی (وجود منابع نسبتاً غنی در مناطق کردنشین) موجودیت کردها را به رسمیت شناخته است. سوری‌ها با مشاهده وضعیت کردها در ترکیه، عراق و ایران نخواستند آن‌ها را به‌عنوان یک مسئله ببینند. آنان همواره کردها را بیگانه، مهاجر و شهروند موقت نامیده‌اند. این درحالی است که طبق داده‌های منابع کردهای خارج از سوریه جمعیت کردها در این کشور ۱۰ درصد از جمعیت کل سوریه را تشکیل می‌دهند و در صورتی که آهنگ افزایش جمعیت کرد و عرب مساوی در نظر گرفته شود طبق ارزیابی‌های انجام‌شده تعداد جمعیت کردهای کشور ممکن است در ابتدای سال ۲۰۱۳ حدود دو میلیون نفر باشد<sup>(۱)</sup>. وزارت امور خارجه امریکا در ژوئیه ۲۰۰۳ جمعیت سوریه را ۱۸/۲ میلیون نفر تخمین زد که در آن جمعیت کردها ۹ درصد کل جمعیت کشور برآورد شدند. همچنین از نظر پراکندگی جغرافیایی، بخش اعظم کردهای سوریه در استان حسکه (جزیره) و منطقه عین‌العرب<sup>(۲)</sup> و عفرین در استان حلب متمرکز شده‌اند. همچنین تعدادی دیگر از کردها در استان‌های دمشق، حلب، رقه، لاتاکیه، حمه، حمس، دیرالزور، تارتوس و ادلیب زندگی می‌کنند. در این میان، اکثریت کردهای سوریه سنی و اقلیتی از آنان شیعه (علوی) و یزیدی هستند (حسرتیان و دیگران، بی‌تا: ۸۷) و (Yildiz, 2005: 24).

به هر حال، با احتساب ترکیب ده درصدی، نزدیک به دو میلیون نفر از جمعیت سوریه در سال ۲۰۱۳ کرد هستند.

نسبت به وضعیت و جایگاه سیاسی و اجتماعی کردها در سوریه می‌توان عنوان کرد که از اواخر دهه ۱۹۵۰ مجموعه آمارهای رسمی و همچنین قانون اساسی سوریه از اشاره مستقیم به وجود جمعیت کرد در کشور خودداری کرده‌اند (حسرتیان و دیگران، بی تا: ۸۷). موضع رسمی حزب حاکم بعث سوریه نسبت به کردها بر این اساس بوده است که آنها مهاجرانی غیرعرب همانند ارامنه، چرکس‌ها، آشوری‌ها و... هستند که به سوریه کوچ کرده‌اند. حزب بعث سوری حتی به این دیدگاه بسنده نمی‌کند و بر این اعتقاد است که حضور کردها در سوریه در نتیجه توطئه‌ای بین‌المللی بوده که کردها را برای نفوذ در سوریه تحریک کرده است؛ لذا لازم است که کردها به مأمّن اصلی خود بازگردانده شده و طرح کمربند عربی اجرایی شود (به‌دره‌دین، ۲۰۰۳: ۱۲۰-۱۱۹).

در همین راستا، در کشور سوریه پس از کودتای ۱۹۵۴ سیاست تعریب (عربی‌کردن) برای «ایجاد و رشد فرهنگ واحد عربی» آغاز شد و بر عدم تأمین آزادی و حقوق شهروندان غیر عرب تأکید شد، بر این مبنا که سوریه باید کشوری عربی شود. شرایط کردها پس از دهه ۱۹۶۰ به گونه‌ای شد که به بسیاری از آنان به عنوان خارجی لقب «اجانب» داده شد. از این دوران به بعد آمارهای رسمی سرشار از تبعیض بود، چنان‌که در بسیاری از موارد نصف اعضای خانواده «اجنبی» و نصف دیگر آن شهروندان کشور محسوب می‌شدند؛ به عبارتی والدین شهروند و فرزندان خارجی خوانده می‌شدند (حسرتیان و دیگران، بی تا: ۹۱-۹۰). برای مثال، در ۲۳ آگوست ۱۹۶۲، دولت سوریه مصوبه قانونی شماره ۹۳ مبنی بر انجام آمارگیری فوق‌العاده یک‌روزه در استان حسکه واقع در شمال سوریه را صادر کرد... در نتیجه این سرشماری، کردها در یکی از این دسته‌ها قرار گرفتند: دسته نخست، کردهایی که توانستند تابعیت سوری خود را ثابت کنند. دسته دوم، کردهایی که تابعیت سوری آنها لغو شد و توسط مقامات سوری به عنوان بیگانه ثبت شدند. این دسته، «اجنبی یا اجانب» نامیده شدند و از طریق سرشماری هزاران نفر از آنها رسماً به عنوان اجنبی ثبت شدند. کردهای منطقه حسکه (جزیره) عموماً از این دسته‌اند.

دسته سوم، کردهایی بودند که در سرشماری شرکت نکردند و «ثبت نام نشده» نام گرفتند حتی اگر قبلاً تابعیت سوری هم داشتند. در این برهه زمانی شرایط به گونه‌ای شد که تنها در طول یک روز، بین ۱۲۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ کرد از تابعیت سوریه محروم شدند (Yildiz, 2005: 33-34).

در ادامه تعریب مناطق کردنشین سوریه از سوی حکومت مرکزی، در سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۵ بر بیشتر روستاها و بخش‌هایی از شهرهای کردنشین سیاست تعریب تحمیل شد. در نتیجه اسامی بسیاری از مناطقی که کردها در آن سکونت داشتند به عربی تغییر پیدا کرد و همچنین از اعطای شناسنامه به کردها خودداری شد، به گونه‌ای که تاکنون حدود ۵۰۰ هزار کرد بدون شناسنامه هستند. در این میان، شهر «دیرک» که نام آن از سوی رژیم بعث به «آلماکیه» تغییر داده شده است، بیشترین میزان تعریب را داشته است. شهر «دیرک» از این نظر که ۶۰ درصد ذخایر نفت و گاز طبیعی سوریه را در خود جای داده است، ثروتمندترین ناحیه کشور می‌باشد (Kakal, 20/9/2012)؛ به‌طور کلی، انکار هویت کردها پیش‌تر با سرشماری ۱۹۶۲ استان الحسکه شروع شده بود و در سال ۱۹۷۳ سوریه شروع به ایجاد کمربند عربی در مرز ترکیه نمود (Yildiz, 2005: 35).

طی دهه‌های بعدی همچنان سیاست تبعیض‌آمیز در قبال کردها ادامه یافت؛ یکی از شدیدترین نمونه‌ها تداوم سیاست خشن حکومت مرکزی در برابر کردها واقعاً استان حسکه است. «براساس حکم استانداری حسکه در سال ۱۹۸۶ کردها در محیط کار حق تکلم به زبان کردی را ندارند. همچنین در سال ۱۹۸۸ حکومت در حکم دیگری ضمن تصدیق حکم پیشین ممنوعیت استفاده از زبان‌های غیرعربی را در فستیوال‌ها، مراسم عروسی و هرگونه آوازخوانی اعلام کرد» (HRW, October 1996: 28). به‌طور کلی، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ موجی از انفعال اجتماعی - سیاسی بر مناطق کردنشین سوریه حاکم بود. اما در سال ۲۰۰۴ رویدادی ورزشی زمینه‌ساز تحولی بنیادین در مسئله کردهای سوریه شد.

در ۱۲ مارس ۲۰۰۴، یک مسابقه فوتبال در قامیشلو یک‌سری حوادث را به‌راه



انداخت که هنوز بسیاری از کردها با پیامدهای آن روبه‌رو هستند. تشویق بازیکنان مسابقه که بین یک تیم محلی و یک تیم از دیرالزور برگزار می‌شد تبدیل به شعارهایی با مضامین سیاسی شد که تنش بین هواداران دو تیم را افزایش داد. در نهایت درگیری‌هایی بین هواداران دو تیم روی داد و نیروهای امنیتی به شلیک گلوله به سوی هواداران غیر مسلح پرداختند که در نتیجه ۷ نفر کُرد کشته و شمار زیادی زخمی شدند. روز بعد از این واقعه جمع زیادی از کردها، در مراسم تشییع پیکر کشته‌شدگان شرکت کردند. اما این مراسم منجر به برخورد میان نیروهای پلیس و مردم شد و در نتیجه چندین نفر دیگر کشته و زخمی شدند. در نتیجه این وقایع، ناآرامی‌های قامیشلو به سایر شهرهای کردنشین شمال سوریه و حتی حلب و دمشق سرایت کرد و در نهایت با کشته شدن دست‌کم ۳۰ نفر و زخمی شدن ۱۶۰ نفر موج اعتراضات خاتمه پیدا کرد (Yildiz, 2005: 41-42). به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد «عصر جدید پدیدار شدن مسئله کرد در سوریه با حوادث مارس ۲۰۰۴ ارتباط وثیقی دارد. برای نخستین بار در تاریخ معاصر سوریه مسئله کرد به قلب مباحثات سیاسی در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ تبدیل شد. اما پس از این حوادث رهبر و یا حزبی وجود نداشت که نقش هدایت جنبشی را برعهده بگیرد که به‌شدت رادیکالیزه شده بود» (Tejel, 2009: 136)؛ از این رو، بار دیگر نقش انفعالی کردها در سوریه ادامه پیدا کرد و اساساً جدای از فعالیت سیاسی محدود حزب اتحاد دموکراتیک، رکود سیاسی بر فعالیت اجتماعی - سیاسی کردها حاکم شد. در تحلیل وقایع مذکور، می‌توان عنوان کرد که همه این سخت‌گیری‌ها معلول معارضه ایدئولوژیک در دنیا و برداشت ویژه رهبران سوریه در مورد تبار کردها بود. طبق این برداشت، اقامت کردها در شمال سوریه، معلول مرزکشی استعمارگران و برای تجزیه بلوک عربی بوده است. طی سالیان متمادی قرن بیستم، مقولاتی چون حقوق بشر، آزادی بیان و برابری مدنی بسیار غریب بودند و سوریه به‌عنوان کشوری عربی با مشی بعثی - سوسیالیستی در قالب بلوک شرق تعریف می‌شد. علاوه بر این، در بلوک‌بندی بین‌المللی، سوریه به‌رحال همسایه اسرائیل هم بوده است و همین امر سبب شده تا این کشور پیش از هر چیز مجموعه‌ای امنیتی لحاظ شود. این روال ادامه داشت تا اینکه در سال ۲۰۱۱ شروع بحران داخلی در سوریه برگ جدیدی از



تاریخ را برای کردها رقم زد. پس از آغاز بحران داخلی در سوریه اکثریت جریان‌های سیاسی کرد سوری در دو جناح عمده شورای ملی کردهای سوریه<sup>(۳)</sup> و شورای ملی غرب کردستان تشکل یافتند.

### ۳. آگاهی قومی، تحرک تشکیلاتی و جنگ داخلی

در کنار سیاست‌های حکومت باید به ضریب آگاهی‌های قومی و سامان تشکیلاتی کردهای سوریه هم توجه داشت. عمده احزاب کردی در سوریه، معلول اختلافات در راهبرد هستند که در کنار ساخت نسبتاً بسته حکومت در سوریه، عملاً فلج بوده‌اند. پویایی حزبی به هر حال منوط به ساختار انعطاف‌پذیر سیاسی (از بالا) و نیز صورت‌بندی اجتماعی است. در سوریه مدرن، هیچ‌یک از آن دو موقعیت مناسبی نداشته‌اند؛ در نتیجه احزاب گوناگونی شکل گرفته‌اند. گفتنی است که طی نیم قرن اخیر احزاب و جریانات سیاسی مختلفی میان جمعیت کردهای سوریه تشکیل شده است. اکثریت این احزاب حول دو محور اساسی شکل یافته‌اند: یکی تأکید بر مبانی هویتی کردی و دیگری مخالفت با حکومت مرکزی سوریه. در این میان، اشاره به این نکته بسیار مهم است که اکثریت احزاب کرد سوریه از ریشه یکسانی نشئت می‌گیرند؛ در واقع بیشتر این احزاب تفاوت ایدئولوژیک و سیاسی مشخصی با هم ندارند و علت اصلی این امر را می‌توان در بافتار زندگی اجتماعی مناطق کردنشین سوریه و سیاست‌های حکومت مرکزی یافت.

نخستین حزبی که در میان کردهای سوریه تشکیل شد حزب دموکرات کرد بود که بیشتر با نام پارتنی شناخته می‌شود. این حزب در سال ۱۹۵۷ تشکیل شد. نخستین انشعاب در میان این حزب به سال ۱۹۶۵ بازمی‌گردد که در آن حزب ترقی خواه دموکراتیک کرد سوریه از آن منشعب شد. اما در سال‌های آتی ۱۲ تا ۱۴ حزب از این جریان (حزب دموکرات) منشعب شدند؛ هرچند بسیاری از این احزاب فقط دارای نام بوده و فاقد ساختار حزبی هستند، لیکن می‌توان آنها را بیشتر جریان فکری عقیدتی دانست تا سیاسی.<sup>(۴)</sup> مهم‌ترین جریانات و احزاب سیاسی کرد سوریه عبارتند از:

حزب ترقی خواه دموکراتیک کرد سوریه<sup>۱</sup>: این حزب در سال ۱۹۶۵ تشکیل شد و دارای ریشه‌های چپ است. رهبر آن از زمان تشکیل تاکنون **عبدالحمید حاجی درویش**<sup>۲</sup> یکی از سیاستمداران برجسته کرد سوریه است. این حزب، روابط گسترده‌ای را با اتحادیه میهنی کردستان به رهبری **جلال طالبانی** دارد. همچنین از دیگر شخصیت‌های برجسته حزب، **علی شم‌دین**<sup>۳</sup> است که نماینده حزب در اقلیم کردستان است.

حزب مساوات دموکراتیک کرد<sup>۴</sup>: این حزب در سال ۱۹۹۲ از حزب ترقی خواه دموکراتیک کرد سوریه به دلیل منازعه بر سر رهبری حزب جدا شده است. رهبر این حزب **عزیز داوه**<sup>۵</sup> است. این جریان هیچ‌گونه تفاوت ایدئولوژیک و مرامی با حزب مادر خود ندارد و هم‌اکنون عضو شورای ملی کردهای سوریه است.

حزب میهن پرست کرد سوریه<sup>۶</sup>: این حزب همانند حزب مساوات دموکراتیک کرد در سال ۱۹۸۸، در نتیجه منازعه شدید بر سر رهبری حزب ترقی خواه دموکراتیک کرد سوریه از آن جدا شد. رهبر حزب میهن پرست کرد سوریه **طاهر سعدون**<sup>۷</sup> است و همانند دو حزب دیگر عضو شورای ملی کردهای سوریه می‌باشد. حزب آزادی کرد سوریه<sup>۸</sup>: این حزب بیشتر در محافل سیاسی و مردمی با نام آزادی شناخته می‌شود. حزب آزادی به‌عنوان انشعاب جناح چپ‌گرای حزب دموکرات کرد سوریه شناخته می‌شود و رهبری آن را **مصطفی جمعه**<sup>۹</sup> عهده‌دار است. این حزب در حال حاضر، یکی از احزاب مهم و متنفذ در شورای ملی کردهای سوریه می‌باشد.

- 
1. Kurdish Democratic Progressive Party in Syria (KDPP)
  2. Abdulhamid Hadji Dervish
  3. Ali Shemdin
  4. Kurdish Equality Party (KEDP)
  5. Aziz Dawe
  6. Kurdish Patriotic Party in Syria (KPP)
  7. Tahir Sadun
  8. The Kurdish Freedom Party in Syria (KFP)
  9. Mustafa Cuma



حزب چپ کرد سوریه<sup>۱</sup>: این حزب در سال ۱۹۹۷ از جریان اتحادیه ملی<sup>۲</sup> (که از نیروهای نزدیک به اتحادیه میهنی در کردستان سوریه است) جدا شد. بسیاری از تحلیل‌گران این امر را ناشی از تلاش‌های حزب دموکرات کردستان عراق در راستای تضعیف اتحادیه ملی می‌دانند. اما بعدها حزب چپ کرد سوریه در سال ۲۰۱۲ دچار انشعاب شد و به دو بخش حزب چپ کرد سوریه، جناح کمیته مرکزی به رهبری **شلال گدو**<sup>۳</sup> و حزب چپ کرد سوریه، جناح کنگره به رهبری **محمد موسی**<sup>۴</sup> تقسیم شد. هر دو جناح در حال حاضر عضو شورای ملی کردهای سوریه هستند.

حزب اتحاد کرد سوریه<sup>۵</sup>: این حزب در سال ۱۹۹۹ تشکیل شده است و بیشتر با عنوان یه‌کیه‌تی<sup>۶</sup> شناخته می‌شود. از رهبران برجسته آن **اسماعیل حامی**<sup>۷</sup> و **عبدالباقی یوسف**<sup>۸</sup> (نماینده حزب در اقلیم کردستان) را می‌توان نام برد. از زمان شروع بحران داخلی سوریه این حزب در سازماندهی به تظاهرات‌ها در مناطق کردنشین نقش اصلی را دارد. حزب اتحاد کرد سوریه در حال حاضر عضو شورای ملی کردهای سوریه است.

حزب اتحاد دموکراتیک کرد سوریه<sup>۹</sup>: این حزب از حزب اتحاد<sup>۱۰</sup> جدا شده است. رهبر برجسته آن **محمی‌الدین شیخ علی**<sup>۱۱</sup> است و منطقه تحت نفوذ آنها بیشتر در میان کردهای حلب و منطقه عفرین و کوبانی است. این حزب هم‌اکنون یکی از اعضای شورای ملی کردهای سوریه می‌باشد.

- 
1. The Kurdish (KLP)
  2. Yekitiya Gel
  3. Shelal Geddo
  4. Muhammad Musa
  5. The Kurdish Union Party in Syria (KUP)
  6. Yekiti
  7. Ismail Hami
  8. Abdel Baki Yousef
  9. The Kurdish Democratic Union Party in Syria (KDUP)
  10. Yekiti Party
  11. Muhiyiddin Sheikh Ali





حزب دموکرات کرد سوریه<sup>۱</sup>: نخستین حزب کردهای سوریه است که در ۴ ژوئن ۱۹۵۷ تشکیل شده است. این حزب دارای روابط تنگاتنگی با حزب دموکرات کردستان عراق (پارتی) است و در محافل سیاسی و مناطق کردنشین بیشتر به عنوان الپارتی<sup>۲</sup> شناخته می‌شود. رهبر آن در حال حاضر **عبدالحکیم بشار**<sup>۳</sup> است که نقش رهبری و هدایت شورای ملی کردهای سوریه را برعهده دارد. بشار پس از تشکیل شورای ملی کردهای سوریه به عنوان نخستین رهبر آن انتخاب شد. این حزب به عنوان حزب مادر در میان کردهای سوریه شناخته می‌شود و بیشتر احزاب دیگر از این حزب جدا شده‌اند؛ به گونه‌ای که در حال حاضر سه حزب علاوه بر حزب دموکرات کرد سوریه با این نام وجود دارند.

حزب دموکرات کرد سوری جناح جمال باقی<sup>۴</sup>: این جریان در سال ۱۹۹۷ از حزب مادر خود جدا شده است و در حال حاضر نقش چندانی در میان کردهای سوریه ندارد؛ اگرچه عضو شورای ملی کردهای سوریه است.

حزب دموکرات کرد سوریه نصرالدین ابراهیم<sup>۵</sup>: این حزب نیز همانند جناح جمال باقی، از حزب دموکرات کرد سوریه جدا شده است. مهم‌ترین عامل جدایی آنها نیز اختلاف بر سر رهبری حزب بوده و در حال حاضر عضو شورای ملی کردهای سوریه است.

حزب دموکرات کرد سوریه جناح عبدالرحمن الیوجعی<sup>۶</sup>: در سال ۲۰۰۴ از حزب دموکرات کرد سوریه جدا شده و در حال حاضر عضو شورای ملی کردهای سوریه است.

جنبش آینده کرد سوریه<sup>۷</sup>: این حزب، جنبشی جدید را در میان کردهای سوریه نمایندگی می‌کند. این جریان بیشتر خواهان بنیان گذاشتن روابط گسترده با اعراب

1. The Kurdish Democratic Party in Syria (SKDP)

2. Al Parti

3. Abdulhakim Bashar

4. Jamal Baqi

5. Nasreddin Ibrahim

6. Abdurrahman Aluji

7. The Kurdish Future Movement in Syria (KFM)



سوریه است. رهبر و بنیان‌گذار این جریان **مشعل تمو**<sup>۱</sup> است که در ۷ اکتبر ۲۰۱۱ ترور شد. این حزب عضو شورای ملی کردهای سوریه نیست و همچنین بیشترین تضاد و اختلاف را با حزب اتحاد دموکراتیک دارد.

حزب وفاق کرد سوریه<sup>۲</sup>: این جریان در نتیجه انشعاب از حزب کارگران کردستان در سال ۲۰۰۴ ایجاد شد که نخستین رهبر آن **کمال شاهین**<sup>۳</sup> بود و در همان سال توسط حزب کارگران کردستان در شمال عراق ترور شد. رهبر فعلی آن **فواد عمر**<sup>۴</sup> است. حزب وفاق کرد سوریه عضو شورای ملی کردهای سوریه است.

حزب اتحادیه دموکراتیک<sup>۵</sup>: توسط اعضای سوری حزب کارگران کردستان در سال ۲۰۰۳ تأسیس شد. در میان احزاب کرد دارای پایگاه قدرتمند و توسعه‌یافته‌تری بوده و رهبر فعلی آن **صالح محمد مسلم**<sup>۶</sup> است. حزب اتحاد دموکراتیک در حال حاضر عضو شورای ملی کردهای سوریه نیست، ولی با چند سازمان وابسته به خود شورای خلق غرب کردستان را تشکیل داده است. این حزب در شرایط هم‌زمان با شروع بحران داخلی در سوریه ضمن همراهی با مواضع حکومت مرکزی، بازی دوگانه‌ای را در قبال اعتراضات در پیش گرفته است. از یک سو، با مداخله در تظاهرات‌های دیگر احزاب و متوسل شدن به خشونت در متقاعد کردن تظاهرات‌کنندگان کرد به عدم گردهمایی، در راستای جلوگیری از سازماندهی دیگر احزاب برمی‌آید و رسماً از تظاهرات ضدحکومتی جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر خود را به‌عنوان حامی و مدافع حقوق کردها نشان می‌دهد (CFMESS, August 2012: 16-25).<sup>۷</sup>

به‌طورکلی، وضعیت فعلی گروه‌بندی احزاب کرد سوریه را در دو جریان اصلی شورای ملی کردهای سوریه (ساختار و قطب‌های قدرت این شورا) و شورای خلق

1. Meshal Tammo
2. Kurdish Accord (Wifaq) Party in Syria (KAP)
3. Kemal Shahin
4. Fuat Omar
5. The Democratic Union Party (PYD)
6. Saleh Mohammed Muslim
7. Center for Middle Eastern Strategic Studies

غرب کردستان می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد.

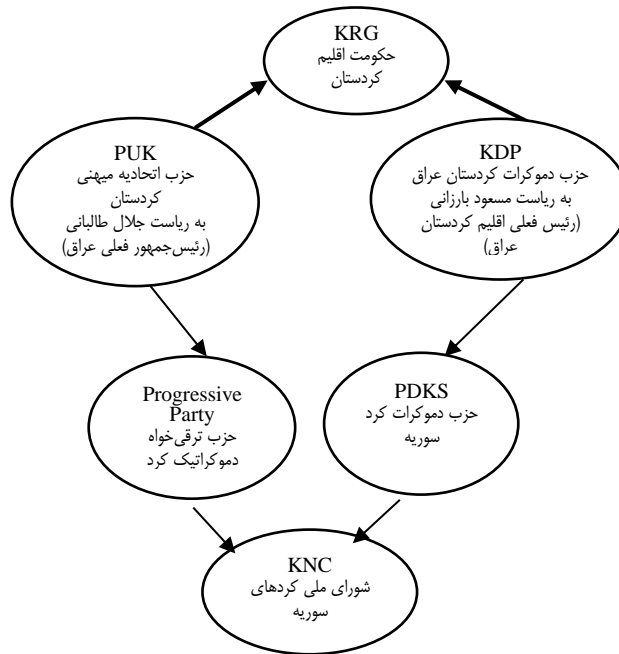
جدول شماره (۱). مهم‌ترین جریان‌ات تشکیل‌دهنده شورای ملی کردهای سوریه

اسامی احزاب سیاسی	سال تأسیس	رهبر	مرام اصلی
حزب دموکرات کرد سوریه	۱۹۵۷	عبدالحمید بشار	ناسیونالیسم
حزب ترقی خواه دموکراتیک کرد سوریه	۱۹۶۵	عبدالحمید حاجی درویش	سوسیالیسم (چپ)
حزب میهن پرست کرد سوریه	۱۹۸۸	طاهر سعدون	ناسیونالیسم
حزب مساوات دموکراتیک	۱۹۹۲	عزیز داوه	سوسیالیسم (چپ)
حزب دموکرات کرد سوریه جناح جمال باقی	۱۹۹۷	جمال باقی	ناسیونالیسم
حزب چپ کرد در سوریه	۱۹۹۷	شلال گدو و محمد موسی	سوسیالیسم (چپ)
حزب جنبش آینده کرد سوریه	۱۹۹۹	هیئت رهبری مشترک	ناسیونالیسم مترقی
حزب اتحاد کرد سوریه	۱۹۹۹	اسماعیل حامی	ناسیونالیسم
حزب دموکرات کرد سوریه جناح عبدالرحمن الیوجعی	۲۰۰۴	عبدالرحمن الیوجعی	ناسیونالیسم
حزب وفاق کرد سوریه	۲۰۰۴	فؤاد عمر	مارکسیست لنینیسم
حزب آزادی کرد سوریه	۲۰۰۵	مصطفی جمعه	سوسیالیسم (چپ)
حزب اتحاد دموکراتیک کرد در سوریه	۲۰۱۰	محمی‌الدین شیخ علی	ناسیونالیسم
حزب دموکرات کرد سوریه جناح نصرالدین ابراهیم	-	نصرالدین ابراهیم	ناسیونالیسم

جدول شماره (۲). مهم‌ترین جریان‌ات تشکیل‌دهنده شورای خلق غرب کردستان

اسامی احزاب و جریان‌ات سیاسی	سال تأسیس	رهبر	مرام اصلی
حزب اتحاد دموکراتیک	۲۰۰۳	صالح محمد مسلم	مارکسیست لنینیسم
جنبش جامعه دموکراتیک (Tev - Dem)	بعد از ۲۰۱۰	-	-

شکل شماره (۱). ساختار و قطب‌های قدرت در شورای ملی کردهای سوریه



Source: (International Crisis Group, 22 January 2013: 48).

همان‌گونه که دیده می‌شود اغلب احزاب کرد سوری، نوظهور هستند و تفاوت عمده‌ای بین آنها وجود ندارد. مشابهت‌های هویتی آنها یک دلیل اصلی دارد و آن عبارت است از بافت بسیط (غیرپیچیده) و سطح اقشار اجتماعی کردها در سوریه. همه آنها به صراحت بر حقوق مسلم و کرامت کردها تأکید دارند، اما هیچ‌یک از آنها تا سال ۲۰۱۱ موفق نشدند حقوق اولیه کردها را محقق سازند و این نشان می‌دهد که برای فهم معادلات کردها در سوریه، رهیافت جامعه‌شناسی سیاسی، ره به جایی نمی‌برد. آنچه مهم به نظر می‌رسد، موضع و مداخلات قدرت‌های دخیل در معادلات سوریه و ترکیب و تعامل مواضع آنهاست که کردهای سوریه را به سمت ادغام، خودمختاری یا استقلال سوق می‌دهد؛ از این رو، درک پتانسیل‌ها و دشواری‌های کردهای سوریه از رهگذر موضع‌گیری و ملاحظات این بازیگران، معقول‌تر است.

همان‌گونه که در مبحث روش خاطر نشان ساختیم، هر گروه را می‌توان واجد پاره‌ای از قابلیت‌های سخت و نرم لحاظ کرد. این قابلیت‌ها را می‌توان در گستره‌ای جغرافیایی تنظیم و واریسی نمود. بر این اساس، می‌توان قابلیت‌ها یا توانمندی‌های

کردهای سوریه را در سه سطح داخل سوریه، منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل به شرح زیر برشمرد.

کشور سوریه با حدود ۲۴ میلیون نفر جمعیت، ۱۸۳ کیلومتر مربع مساحت، یکصد میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی و همجواری با قدرت‌های حساسی چون ترکیه (۸۲۲ کیلومتر)، سرزمین‌های اشغالی (۷۶ کیلومتر)، لبنان (۷۶ کیلومتر) و عراق اهمیت زیادی از نظر ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک در منطقه دارد. در این میان، با توجه به حضور جمعیت قابل توجهی از کردها (حدود ۲۴ میلیون) در کشورهای دیگر منطقه خاورمیانه، یعنی ترکیه، ایران و عراق، در حال حاضر (ابتدای سال ۲۰۱۳)، آنچه در گستره ملی به کردهای سوریه قدرت و امید می‌بخشد به شرح ذیل است.

با شروع بحران داخلی در سوریه در ۲۰۱۱/۳/۱۵ جامعه سوریه به دو بخش اساسی تقسیم شد که در یک طرف، نیروهای مخالف حکومت مرکزی و در طرف دیگر نیروهای طرفدار حکومت مرکزی قرار داشتند. در همین راستا «حکومت مرکزی سوریه تصمیم گرفت به شهروندان کرد سوری که چندین سال از داشتن شناسنامه و حقوق ابتدایی محروم بودند، شناسنامه و حقوق شهروندی اعطاء کند. در پی این واقعه جریان‌ات ناسیونالیستی سوریه، در داخل فعالیت خود را تشدید کردند و هم‌زمان احزاب حکومتی اقلیم کردستان<sup>(۵)</sup> برای تقویت جایگاه کردها در سوریه وارد عمل شدند» (غه‌فور، ۲۵ / ۱۱ / ۲۰۱۲).

در این میان، حزب اتحاد دموکراتیک مورد حمایت بی‌دریغ حکومت مرکزی قرار گرفت و سلاح و تجهیزات نظامی زیادی از سوی حکومت به این حزب داده شد. به عبارتی پس از گذشت دو سال از ایجاد محدودیت در برابر فعالیت حزب اتحاد دموکراتیک در مناطق کردنشین سوریه<sup>(۶)</sup>، حکومت مرکزی یک‌بار دیگر به این حزب اجازه داد تا فعالیت و تبلیغات خود را از سر گیرد. همچنین نیروهای ارتش سوریه از چند شهر کردنشین خارج شدند و حفاظت و اداره مراکز دولتی در این شهرها به نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک سپرده شد (همان، ۲۵ / ۱۱ / ۲۰۱۲).

هرچند، صالح مسلم، رئیس حزب اتحاد دموکراتیک انعقاد هرگونه موافقت‌نامه با حکومت مرکزی سوریه را رد می‌کند، اما واقعیت این است که توافقنامه‌ای بین آنها

وجود دارد مبنی بر اینکه تا زمانی که کردها به نیروهای ارتش مرکزی حمله نکنند، می‌توانند در مناطق کردنشین سوریه کنترل امور را در دست داشته باشند (Escobar, 02 Sep 2012).

به‌طور کلی، ضعف حکومت مرکزی در نتیجه بحران داخلی در سطح کشور، زمینه‌ساز قدرت‌گیری کردها شده است و پس از اینکه کردها کنترل «شهرهای عفرین<sup>۱</sup>، کوبانی<sup>۲</sup>، سه‌ری‌کانی<sup>۳</sup> و دیرک<sup>۴</sup> را به‌دست گرفتند، اداره‌ای محلی را تشکیل دادند که براساس آن کردها امور نواحی مورد تسلط خود را از طریق انجمنی ویژه اداره می‌کنند (Kakal, 20/9/2012). به‌طور کلی، می‌توان گفت کردهای سوریه در حال حاضر از یک نوع آزادی برخوردارند و در انتظار تحولات آتی سوریه هستند تا در چارچوب دولتی دموکراتیک روابط خود را با مرکز تعریف کنند.

یکی از مهم‌ترین عوامل در تقویت جایگاه کردها در سوریه پس از ۲۰۱۱ رقابت هویتی و ظهور گروه‌های متعارض در برابر حکومت مرکزی بوده است. «کردها ظاهراً به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و عمده‌ترین گروه‌های پیروز در بحران سوریه هستند. زیرا با خروج نیروهای نظامی وابسته به حکومت مرکزی از نواحی کردنشین و نواحی نزدیک مرزهای ترکیه در اواسط ژوئیه ۲۰۱۲، عملاً حکومت مرکزی به‌صورت دوفاکتو کنترل این مناطق را به کردها سپرده است. در پی این اتفاق کردها در مناطق تحت کنترل پایگاه ایست و بازرسی دایر کرده و پرچم خاص خود را به اهتزاز درآورده‌اند و در نهایت تمرین و آماده‌سازی برای کسب اتونومی را آغاز کرده‌اند (Associated Press, 20/08/2012).

به‌طور کلی، در مورد دودستگی موجود میان اعراب سوریه می‌توان عنوان کرد در شرایطی که حکومت مرکزی سوریه درگیر در جنگ داخلی با نیروهای اپوزیسیون است، کردها از این موقعیت سود برده و کنترل امور مناطق خود را در

- 
1. Afrin
  2. Kobani
  3. Sari Kani
  4. Derik

دست گرفته‌اند. در واقع شرایط به‌گونه‌ای شده است که می‌توان عنوان کرد در صورت هر نوع تحول احتمالی در آینده تحولات سوریه، دیگر نیروهای حکومت مرکزی این توان را ندارند که همانند سابق بر کردها اعمال حاکمیت کند. به عبارت دیگر، در حالت حداقلی کردها می‌توانند نقش بیشتری در اداره سیاسی - اجتماعی منطقه خود داشته باشند. تحرک کردهای سوریه، محدود به محرکه‌های داخلی نیست. در محیط پیرموان سوریه هم تحولاتی رخ داده است که می‌توان هر یک از آنها را امتیازی برای کردهای سوریه محسوب کرد.

جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ و نتایج آن نسبت به امنیت و تعریف مجدد آن کشور عمیق‌ترین تأثیرات را بر کردهای منطقه و از جمله کردهای سوریه داشته است.... پس از دستاوردهای کردها در عراق، کردهای سوری دلگرمی و اعتماد به نفس بیشتری را در بازشناسی هویت و ابراز خواسته‌های مورد نظرشان به دست آوردند (Lowe, January 2006: 1-2). همچنین، در شرایط بحرانی موجود در سوریه، اقلیم کردستان نقشی مؤثر در ایجاد اتحاد و حمایت از کردهای سوریه داشته است. در همین راستا، **نچیروان بارزانی**، نخست‌وزیر اقلیم کردستان در دیدار با سفیر ترکیه در عراق با مهم ارزیابی کردن تحولات کشور سوریه گفت: کردها در سوریه از همه حقوق انسانی بی‌بهره هستند و باید در این کشور به حقوق خود برسند (Krg, 17 Sep 2012: 45278).

در مجموع، مقامات سیاسی اقلیم کردستان در دو بعد میانجی‌گری میان نیروهای سیاسی کرد سوریه و آموزش نظامی جوانان کرد سوری برای حفاظت از مناطق کردنشین نقشی مهم را در حمایت از کردهای سوریه داشته‌اند. پس از تسلط کردها بر مناطق کردنشین سوریه، میان شورای ملی کردهای سوریه و شورای خلق غرب کردستان اختلافات جدی به وجود آمد. شورای ملی کردهای سوریه به شدت مخالف سلطه حزب اتحاد دموکراتیک بر مناطق تحت کنترل کردها بود. با بالا گرفتن عمق منازعات میان این دو گروه، مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان به میانجی‌گری میان دو جریان پرداخت و با فراخواندن آنها به اربیل، طی نشست با حضور هر دو جناح، نقشی اساسی را در امضای توافقنامه‌ای میان آنان ایفاء کرد. براساس این توافقنامه، «کمیته‌ای عالی» مشترک از هر دو گروه برای حفاظت از



منافع حیاتی کردها در سوریه تشکیل شد<sup>(۷)</sup> (نازم، ۲۰۱۲/۹/۳).

دومین بعد حمایتی اقلیم کردستان عراق، آموزش تعدادی از جوانان کرد سوری در درون مرزهای این اقلیم است. در ابتدا مقامات اقلیم کردستان عراق در برابر ادعاهایی که بر آموزش نظامی کردهای سوریه در این اقلیم تأکید داشتند سکوت اختیار می‌کردند. اما مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان در ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۲ در مصاحبه با کانال الجزیره انگلیسی برای نخستین بار به موضوع آموزش نظامی بسیاری از جوانان کرد سوریه که در سال‌های قبل به این اقلیم فرار کرده بودند، اقرار کرد و همچنین بر این امر تأکید کرد که این نیروها تا زمانی که «شورای عالی کردهای سوریه» در شرایط بحرانی آنها را فرا بخواند، در اقلیم کردستان عراق باقی خواهند ماند (Kakal, 02/08/2012).

بنا به اظهارات یکی از افراد آموزش دیده کرد سوریه در اقلیم کردستان عراق، او به همراه صدها نفر دیگر از جوانان کرد سوری در اربیل توسط نیروهای «زیروانی»<sup>(۸)</sup> آموزش نظامی دیده‌اند. بنا به اظهارات این شخص، تعداد افراد تحت آموزش حدود ۱۰۰۰ نفر بوده و به هر کدام از آنها ماهانه ۱۰۰ هزار دینار عراقی داده شده است. بنا به منبع دیگر، تعداد نیروهای کرد سوری تحت آموزش «زیروانی» اقلیم کردستان عراق ۶۵۰ نفر می‌باشد (همان).

به‌رغم دستگیری و زندانی کردن عبدالله اوجالان، رهبر و بنیان‌گذار حزب کارگران کردستان (۱۹۹۹) به دست نیروهای امنیتی و اطلاعاتی ترکیه، تحرکات این حزب نه تنها متوقف نشده، بلکه طی سالیان اخیر همچنان تداوم یافته است. تداوم تاریخی و سرایت جغرافیایی پ.ک.ک نشان می‌دهد این حزب و کردهای هوادار آن، دیگر از مرز نابودی عبور کرده و حیات مستقلی یافته‌اند. اعضای پرتعداد و آموزش دیده نظامی، داشتن طیف وسیعی از هواداران در داخل ترکیه، پشتیبانی رسانه‌ای و انعطاف‌پذیری سیاسی و همجوار با کردهای عراق، ایران و سوریه، چریک‌های پ.ک.ک را قادر می‌سازد که در قامتی فراتر از یک گروه چریکی وارد معادلات منطقه شوند<sup>(۹)</sup>. آنها در مقایسه با گذشته با سهولت بیشتری به سلاح و رسانه دسترسی دارند و مطالبات خود را پیگیری می‌کنند؛ از این رو، در شرایط کنونی حضور حزب اتحاد دموکراتیک به‌عنوان شاخه سوری حزب کارگران کردستان،



می‌تواند کردهای سوریه را در حوزه نظامی - سیاسی یاری کند.

سیاست تمرکزگرا و یکسان‌سازانه<sup>۱</sup> دمشق علیه کردها مورد حمایت بعضی از قدرت‌های منطقه نظیر ترکیه، لبنان و حتی ایران هم بوده است. ترکیه برای قطع همکاری اعضای پ.ک.ک با عقبه آنها در سوریه (قامیشلی)، لبنان (دره بقاع) و عراق (کوه‌های قندیل) کوشش‌های نظامی و دیپلماتیک فراوانی داشته است. گسیل ۵۰ هزار نیرو به مرزهای سوریه و نیز حمله هوایی و زمینی به عمق ۱۰ کیلومتری شمال عراق و همکاری امنیتی با ایران از مصادیق اصلی این کوشش‌ها هستند. اما در حال حاضر این کشورها در حمایت از تمرکزگرایی در سوریه با دشواری‌هایی روبه‌رو شده‌اند؛ ترکیه در پی تطویل بحران سوریه و برآمدن کردها در مرزهای جنوبی‌اش با معمایی روبه‌رو شده است. در پی جنگ داخلی سوریه، خود لبنان هم گاهی عرصه نبرد بین هواداران و مخالفان بشار اسد بوده است و جمهوری اسلامی ایران دست‌کم در دو موضوع پرونده هسته‌ای و جنگ داخلی سوریه دلمشغولی فوق‌العاده‌ای دارد. به باور کردهای سوریه، این قسم بحران‌ها، فرصتی طلایی برای خودابرازی آنها و خروج از انقباض سیاسی طولانی مدتی است که طی ۷۰ سال اخیر کردها را به تعطیلات تاریخی برده است.

کردهای سوریه علاوه‌بر عرصه داخلی و منطقه‌ای، اقبال بین‌المللی هم داشته‌اند. نظام بین‌الملل در دهه دوم قرن ۲۱ به دو بلوک متخاصم شرق کمونیست در مقابل غرب کاپیتالیست دو پاره نشده است. فرمول غالب در خلال جنگ سرد، منازعه ایدئولوژیک بود. اما بلافاصله پس از فروپاشی شوروی پرسش «ما کیستیم؟» جایگزین «با کیستیم؟» شد. به عبارت دیگر عمده ملت‌های جهان تعلق هویتی به شرق و غرب داشتند و سخن از هویت مستقل خود بیشتر انتزاعی بود تا واقعی. بر همین اساس در ادبیات متعارف جهانی دیده می‌شود که به‌جای واژه‌های جنگ سردی، نظیر ایدئولوژی ما، غرب، شرق و اتحادیه بازار آزاد در مقابل بازار اشتراکی از مفاهیمی نظیر هویت بین‌الذہانی، برداشت بازیگران و تکوین اجتماعی سیاست بین‌الملل سخن می‌رود (ونت، ۱۳۸۴). اقبال جهانی به مقولاتی چون هویت، حقوق

---

1. Assimilation



جمعی قومی، دل‌بستگی جامعه به جای همبستگی ملی، آزادی بیان به زبان مادری به جای آزادی بیان، حقوق قومی به جای حقوق شهروندی و... همگی پشتوانه نرم‌افزاری برای ابراز هویت و احراز حقوق قومی اقلیت‌ها بوده که شامل کردهای سوریه هم می‌شده است.

دسترسی آسان و ارزان به رسانه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای در شکل‌گیری این گفتمان جدید بسیار مؤثر بوده‌اند. نسل جدیدی از جوانان که نگاهی بین‌المللی، نگرشی مقایسه‌ای و افقی منصفانه به امور دارند، نادیده گرفتن حرکت‌های اقلیتی را بسیار پرهزینه می‌سازد. در این میان، «رسانه‌ها توجه محدودی نسبت به کردهای سوریه داشته‌اند و مطالعات آکادمیک کمی در مورد آنها انجام می‌شد. اما پس از دهه ۱۹۹۰ در نتیجه افزایش اهمیت موضوعات حقوق بشر در سطح جهانی، شاهد نخستین مطالعات جامع و کامل در مورد کردهای سوریه بودیم» (Tejel, 2009: 1). همچنین با شروع بحران داخلی سوریه **هیلاری کلینتون**، وزیر امور خارجه وقت امریکا (۲۰۱۲) در واکنش به دولت ترکیه در مورد احتمال خودمختاری سیاسی - اداری کردهای سوریه، اذعان داشت که «این یک واقعیت است و ترکیه باید با آن کنار بیاید» (Escobar, 2012).

ترکیه به عنوان کشوری که بیشترین تعداد کردها را دارد در معرض فشار بین‌المللی دیگری هم هست و آن کوشش دولت آنکارا برای عضویت در اتحادیه اروپا از یک سو، و شرایط اتحادیه اروپا در قالب موازین کپنهاگ<sup>۱</sup> از سوی دیگر است. طبق موازین کپنهاگ دولت آنکارا باید تمهیدات لازم را برای آموزش و ایجاد رادیو و تلویزیون به زبان کردی تدارک دیده، تجمع آزادانه و انتشار افکار اقلیت‌ها را به رسمیت بشناسد. کمالیست‌ها و ارتش ترکیه که خواهان دوری از اتحادیه اروپا هستند به اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه توصیه می‌کنند ضمن دوری گزیدن از اتحادیه اروپا، در برابر کردها استوارتر مقابله کند، اما اسلام‌گرایان از یک سو خواهان حفظ تمامیت ارضی ترکیه و ادغام کردها هستند و از سوی دیگر جاذبه‌های اتحادیه اروپا را مقدم می‌شمارند (Ziaden, 2011: 125). به‌هرحال، اسلام‌گرایان به حکم گرایش

---

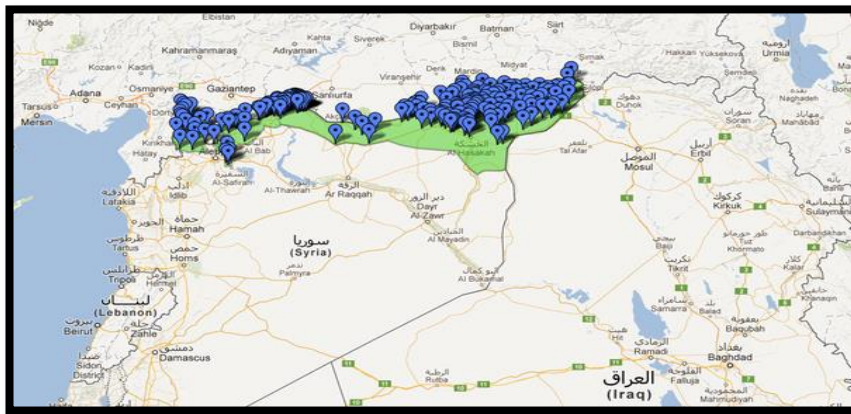
1. Copenhagen Criteria

ایدئولوژیک، راهبرد انتخاباتی و ملاحظات بین‌المللی نمی‌توانند سیاست پیشین مشت‌آهین را در مورد کردها عملی کنند و همه این پویاها و معادلات، فضا را برای تکاپوی کردهای منطقه فراهم می‌کند.

#### ۴. چشم انداز خودمختاری و استقلال

کردهای سوریه با توجه به ظرفیت‌ها و امکاناتی که در اختیار دارند، طی یک سال اخیر طرح ایجاد ایالتی خودمختار و یا فدرال همانند اقلیم کردستان عراق را در نواحی کردنشین سوریه پیگیری می‌کنند. براساس نقشه مورد نظر، کردهای سوریه در پی برپایی ایالتی مستقل هستند که مرزهای آن از روستای «عین دیوار» که در محدوده شهر دیرک، که یکی از شهرهای استان حسکه است، شروع می‌شود و هم‌جوار با مرزهای ترکیه به سمت غرب در ناحیه اسکندرون خاتمه پیدا می‌کند. شکل زیر نمایان‌گر محدوده جغرافیایی مورد نظر کردها و نحوه پراکندگی جمعیت آنان، در ایالت مورد نظرشان است.

شکل شماره (۲). اقلیم مورد نظر کردهای سوریه برای ایجاد ایالتی فدرال



Source: (nrttv, 31/12/2012).

با وجود تقاضای کردها برای برپایی ایالتی کردی در سوریه، همان‌گونه که در فرضیه پژوهش تصریح شد، برای شکل‌گیری یک موجودیت سیاسی در قالب خودمختاری و یا فدرالی، مجموعه‌ای از مقدمات سرزمینی، جمعیتی و حاکمیتی ضرورت تام دارد. نگاهی به وزن مؤلفه‌های یازده‌گانه (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)



نشان می‌دهد که کردهای سوریه فاقد عناصر حیاتی این الگو هستند. این کاستی‌ها را می‌توان در سه قالب داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به شرح زیر برشمرد. کردهای سوریه در کنار ارتش، علوی‌ها، سنی‌ها و سلفی‌های بین‌الملل‌گرا فقط یک نیرو هستند که اتفاقاً با هیچ‌یک از نیروهای معارض خود هم‌سنگ نیستند. با توجه به این موضوع، در ادامه اصلی‌ترین دشواری‌های داخلی پیش روی کردهای سوریه قرار دارد، شرح داده شده است.

در پی تحولات عراق و سوریه، دو جناح اصلی میان نیروهای سیاسی کرد سوریه شکل گرفته است که یکی از آنها یعنی انجمن خلق غرب کردستان، زیر نفوذ حزب اتحاد دموکراتیک است و دیگری، شورای ملی کردهای سوریه، مستقیماً تحت نفوذ حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان هستند. جناح اول با نظر به اینکه شاخه‌ای از حزب پ.ک.ک است، به‌طور جدی تهدیدی برای کشور ترکیه قلمداد می‌شود. اما جناح دوم با توجه به نزدیکی روابط با حزب دموکرات کردستان عراق و ترکیه، جناح مورد نظر ترکیه در آینده تحولات سوریه است. ممکن است در شرایط کنونی عمق اختلافات میان دو جناح سیاسی کرد در سوریه زیاد نباشد، اما در آینده می‌توان انتظار داشت میان نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک و نیروهای تحت حمایت و کنترل بارزانی که مناسبات نزدیکی با سیاست‌های ترکیه در منطقه دارد، اختلافات جدی به‌وجود آید. حتی نمی‌توان شروع جنگ داخلی میان کردها را منتفی دانست.

یکی دیگر از دشواری‌های داخلی پیش روی کردها در سوریه، اختلاف با جناح‌های عرب اپوزیسیون حکومت مرکزی است. از یک‌سو، همانند دیگر اقلیت‌های سوریه بسیاری از کردها از قدرت‌گیری اسلام‌گرایان در سوریه واهمه دارند؛ از این‌رو بین اسلام‌گرایان اپوزیسیون حکومت مرکزی و کردها اختلاف مواضع شدیدی وجود دارد (McDonnell, 27 July 2012) و از سوی دیگر، پس از کنترل نواحی کردنشین توسط کردها، نیروهای نظامی مخالف حکومت مرکزی واکنش نشان دادند و اظهار نمودند اجازه نخواهند داد که سوریه براساس مذهب، قومیت و خطوط مجزای داخلی تقسیم شود (Dehghanpishheh, 18 August 2012). حتی دامنه اختلافات به‌حدی شده است که جناح‌های اپوزیسیون سوری در ناحیه



«سهری کانی» با نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک درگیری‌های پراکنده‌ای داشته‌اند. هرچند پس از مدت کوتاهی آتش‌بس شکننده‌ای میان طرفین برقرار شده است، اما به هر حال امکان از سرگیری درگیری میان نیروهای دو طرف بسیار محتمل است. بدون تردید یکی از مهم‌ترین دشواری‌های پیش روی کردها در تحولات آتی سوریه در زمینه پراکندگی جمعیتی و جغرافیایی مناطق کردنشین است. «پراکندگی جغرافیایی نواحی کردنشین در سوریه مانع آن شده است که بتوانند یک جامعه فرهنگی و نیروی سیاسی متمرکز را تشکیل دهند» (Yildiz, 2005: 23). به عبارت دقیق‌تر، مناطق کردنشین به واسطه فرار گرفتن چندین منطقه عرب‌نشین میان آنها، از هم مجزا شده‌اند. اما تمام شهرهایی که کردها در آن ساکن‌اند هم‌مرز با نواحی کردنشین عراق و ترکیه هستند (سمایل، ۲۰۰۶: ۳۴). واقعیت این است که دوری و مجزا بودن مناطق کردنشین، سبب دشواری زیادی برای ایجاد جامعه‌ای متحد و یک‌دست توسط جناح‌های سیاسی کرد سوری شده است. علاوه بر فرار گرفتن مناطق عرب‌نشین، وجود جمعیت‌های کوچک ترکمن، آشوری و مسیحی در مناطق کردنشین از دیگر دشواری‌هایی است که کردهای سوریه در آینده با آن روبه‌رو می‌شوند.

در کنار دشواری‌های داخلی، کردهای سوریه با مجموعه‌ای از موانع منطقه‌ای هم روبه‌رو هستند. مهم‌ترین این موانع هژمونی سیاسی - نظامی ترکیه در منطقه است؛ بدین معنا که شروع جنگ داخلی در سوریه و در پی آن تسلط کردها بر مناطق کردنشین و کنترل بر دستگاه‌های امنیتی و اداری این مناطق، موجب نگرانی دولت ترکیه شده است. در این میان، آنکارا به شدت از کنترل حزب اتحاد دموکراتیک به عنوان شاخه وابسته به حزب کارگران کردستان بر مناطق کردنشین واهمه دارد، زیرا کنترل این حزب بر نواحی کردنشینی که در نزدیکی مرزهای ترکیه هستند، می‌تواند زمینه‌های استقرار حزب کارگران کردستان را در این مناطق، فراهم آورد و در نتیجه جبهه و پایگاه جدیدی برای حملات گسترده تر پ.ک.ک به ترکیه گشوده شود. به عبارتی، حضور حزب اتحاد دموکراتیک در این مناطق می‌تواند پایگاهی مناسب را برای نیروهای کرد معارض دولت ترکیه فراهم کند تا بتوانند از یک سو، جبهه جنگ علیه ارتش ترکیه را در ابعاد وسیع‌تر به پیش برند و از سوی

دیگر، افکار عمومی کردهای ساکن ترکیه - که حدود ۲۰ درصد جمعیت کشور ترکیه را تشکیل می‌دهند - را برای رسیدن به وضعیتی همانند وضعیت کردهای سوریه بسیج کنند و زمینه‌ساز قیام وسیع کردهای ترکیه شوند.

در همین راستا، **رجب طیب اردوغان** عنوان می‌کند: «در صورتی که مناطق کردنشین سوریه به پایگاهی برای حمله چریک‌های کرد به ترکیه تبدیل شود، نیروهای ارتش ترکیه را به این مناطق گسیل خواهیم نمود» (Dehghanpishah, 18 August 2012). همچنین، **احمد داوود اغلو**، وزیر امور خارجه ترکیه، در مورد ایجاد اقلیمی خودمختار از سوی کردهای سوری می‌گوید: «ترکیه ضد حقوق مردم کرد سوریه نیست، بلکه به شدت مخالف حضور نیروهای حزب کارگران کردستان در نواحی مرزی ترکیه و سوریه است و در صورت وجود هرگونه نیروی نظامی چریکی در این مناطق ترکیه از نیروهای ارتش برای مقابله با آنان بهره می‌گیرد؛ و این مسئله‌ای است که با صراحت در دیدار با سران شورای ملی کردهای سوریه به آنان ابلاغ کرده‌ایم (Nrttv, 9/8/2012).

همچنین، در ۲ اوت ۲۰۱۲ زیر نظر نیروهای مخالف حکومت مرکزی سوریه، دو فرقه نظامی از سربازان ترکمن تشکیل شد. در مورد، **حسن جمال گوزل**، یکی از وزرای ترکیه ابراز می‌کند که در مقابل تحرکات نظامی حزب کارگران کردستان و شاخه وابسته به آن در سوریه، ترکیه نیز می‌تواند از کارت فشار ترکمن‌ها که در شمال سوریه مستقر هستند استفاده نماید و این امر می‌تواند برگ برنده ترکیه در مقابله با قدرت‌طلبی کردها باشد (نه‌نور، ۲۰۱۲/۸/۴).

در عرصه بین‌المللی هم، پیدایش یک منطقه خودمختار جدید یا تجزیه یک کشور به شمار زیادی از شرایط حقوق بشری و عینی بستگی دارد. کشورها یا مناطق نوپدید (مانند کوزوو یا اقلیم کردستان عراق یا سودان جنوبی) همگی در پی بروز جنایات ضدبشری و خواست قدرت‌های مؤثر بین‌المللی قدم به جامعه جهانی نهاده‌اند. مهم‌ترین اصل در این زمینه منافع قدرت‌های مسلط بین‌المللی است. در حال حاضر، فقط اسرائیل و اقلیم کردستان عراق هوادار تجزیه سوریه هستند. حکومت امریکا هم نگرانی خود را نسبت به کنترل مناطق کردنشین توسط نیروهای وابسته به حزب کارگران کردستان ابراز کرده و هشدار داده است که گروه‌های کرد

در سوریه نباید با این حزب همکاری کنند و ما نیز با ترکیه در این زمینه که این منطقه به مکانی برای استقرار نیروهای تروریست پ.ک.ک تبدیل نشود، همکاری می‌کنیم (Dehghanpisheh, 18 August 2012). در غیاب اراده بین‌المللی و در مورد موانع بسیار استوار منطقه‌ای و داخلی، به نظر می‌رسد استقلال، سناریویی کاملاً غیرممکن، و سناریوی خودمختاری یا فدرالیسم بسیار دشوار و بعید است. در این میان، ادغام دموکراتیک با حفظ حقوق ویژه و تبعیض مثبت، مهم‌ترین سناریوی محتمل برای کردهای سوریه است.

### نتیجه‌گیری

پرسش مقاله حاضر این بود که با توجه به معادلات سوریه، انتخاب پیش روی کردهای سوریه کدام‌یک از گزینه‌های زیر است: ادغام در ساخت سوریه‌ای دموکراتیک (مانند الگوی لبنان)؛ خودمختاری در ساخت فدرالی (مانند الگوی عراق)؛ استقلال کامل سرزمینی (مانند الگوی کوزوو).

برای پاسخ به پرسش بالا، یک گزاره را مفروض قلمداد کردیم و آن عبارت از این بود که وقوع تغییر در وضع کنونی کردهای سوریه حتمی است و آینده احتمالی (فوری)، تکرار گذشته درازآهنگ نخواهد بود. روش پردازش زمینه هم‌کاربست «الگوی سنجش وزن اقلیت‌های قومی و مذهبی و دینی» در سه گستره داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با محوریت کردهای سوریه بوده است. طبق این روش، پاسخ قابل تأکید به پرسش بالا به این شکل است؛

۱. تکرار الگوی کوزوو (استقلال کامل) در مورد کردهای سوریه متنفی است. موانع تحقق این سناریو (طبق الگوی سنجش وزن اقلیت‌ها) عبارتند از: جمعیت اندک و پراکنده و نداشتن نیروی مولد (اقتصاد)، نیروی رزمی (نظامی) سازمان‌یافته و شهروند (رکن سیاسی استقلال)؛ محرومیت از منابع طبیعی حیاتی؛ قرار داشتن در محاصره نیروهای معارض از سوی نیروهای معارض؛ نبود اراده داخلی، منطقه‌ای (به‌استثنای اسرائیل و اقلیم کردستان) و بین‌المللی؛ و فقدان کادر رهبری مجرب و همجواری مرزی با نیروهای همسو.

۲. تکرار الگوی اقلیم کردستان عراق در مناطق کردنشین سوریه، تا حدود

زیادی نامحتمل است. دلایل ضعیف بودن احتمال خودمختاری کردهای سوریه همان موارد مطرح در بند اخیر است. اما مهم‌ترین عاملی که وقوع چنین سناریویی را نوید می‌دهد، تصمیم احتمالی امریکا مبنی بر تعمیم الگوی عراق به سوریه با هدف تجزیه سرزمینی کشورهای معارض با اسرائیل است.

۳. تحقق الگوی لبنان در مناطق کردنشین سوریه، بسیار محتمل است. دلایل دفاع این مقاله از این سناریو عبارتند از: اولاً اکثریت مخالفان بشار اسد مخالف تجزیه ارضی و خودمختاری سیاسی - اداری کردها هستند و هرگونه کوشش منطقه‌ای و بین‌المللی برای تجزیه کردها را تصویب نخواهند کرد. مبارزه سخت و خشن اسلام‌گرایان (جبهه النصره) علیه کردها در منطقه «سه‌ری‌کانی» و درگیری شدید آنان با شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک<sup>(۱۰)</sup> مهم‌ترین نماد این امر است. ثانیاً بازیگران مؤثری چون ترکیه، ایران، روسیه، عراق، اتحادیه عرب و حتی اتحادیه اروپا از سناریوی استقلال و یا خودمختاری کردهای سوریه پشتیبانی نمی‌کنند. ثالثاً با تحکیم حکمرانی دموکراتیک و مدنی در دمشق، بسیاری از مطالبات کردهای سوریه تحقق خواهد یافت و همین تحقق نسبی، پتانسیل‌های گریز از مرکز را تخفیف خواهد داد.



## یادداشت‌ها

۱. در طول چند دهه اخیر هیچ‌گاه آمار دقیقی از میزان جمعیت کردها از سوی حکومت مرکزی ارائه نشده است.
۲. عنوان اصلی این منطقه «کوبانی» بوده است، اما در سال‌های حاکمیت رژیم بعث سوری به «عین‌العرب» تغییر نام پیدا کرده است.
۳. Kurdistan National Council of Syria (KNC): این شورا در اکتبر ۲۰۱۱ تحت نظارت مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان تشکیل شد. شورای ملی کردهای سوریه متشکل از ۱۶ جریان (حزب) سیاسی کرد سوری است که مخالف حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) هستند. اکثر احزاب دارای نفوذ در این جریان به‌طور مستقیم احزاب خواهر اتحادیه میهنی کردستان طالبانی و دموکرات کردستان عراق بارزانی هستند (International Crisis Group, 22 January 2013: 49).
۴. در ادامه مبحث آگاهی قومی و تحرک تشکیلاتی تنها از یک منبع بهره گرفته شده است. از این رو منبع مذکور در آخر مبحث ارجاع کلیه مباحث می‌باشد.
۵. حزب دموکرات کردستان عراق و حزب اتحادیه میهنی کردستان.
۶. در سال ۲۰۰۹ بنا به توافقنامه امنیتی میان دولت‌های ترکیه و سوریه، فعالیت حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) به‌عنوان شاخه‌ای از حزب PKK در سوریه، ممنوع اعلام شد و فعالیت این حزب در شهرهای کردنشین سوریه با موانع عمده‌ای روبه‌رو شد.
۷. این «کمیته عالی» متشکل از ده عضو می‌باشد که به‌طور مساوی میان هر دو جناح تقسیم شده بودند. پنج عضو شورای خلق غرب کردستان عبارتند از: صالح مسلم، سینم محمد، آلدان خلیل، روناهی دلیل، عبدالسلام احمد و اسامی پنج عضو شورای ملی کردهای سوریه عبارتند از: احمد سلیمان، سعود ملا، اسماعیل محمد، ناصر آلتن ابراهیم، محی‌الدین شیخ علی.
۸. Zerevani: نیروهای محافظ مرزهای سرزمینی اقلیم کردستان عراق.
۹. در طول چند ماهه گذشته با پیش‌دستی و پیشنهاد عبدالله اوجالان، رهبر زندانی این حزب در جزیره امرالی، معاهده آشتی میان پ.ک.ک و دولت ترکیه برای پایان دادن به جنگ و خونریزی به امضا رسیده است که بر مبنای آن تمامی نیروهای نظامی این حزب که در داخل مرزهای ترکیه هستند، طی مدتی کوتاه مرزهای سرزمینی این کشور را ترک و در داخل مرزهای اقلیم کردستان مستقر می‌شوند؛ در مقابل دولت ترکیه متعهد شده است که یک‌سری اصلاحات را در راستای به‌رسمیت شناختن هویت کردها و اعطای حقوق

شهروندی و سیاسی بیشتر به آنان انجام دهد. اما آنچه قابل توجه است این است که تاکنون نیروهای حزب کارگران کردستان به طور کامل از مرزهای ترکیه خارج نشده‌اند و در مقابل دولت ترکیه اقدامات جدی را برای برآورده کردن خواست کردها انجام نداده است؛ از این رو نمی‌توان افق روشنی را برای آینده روند صلح و آشتی میان کردها با دولت مرکزی در ترکیه متصور شد.

۱۰. یگان‌های محافظ خلق.

## منابع

### الف - فارسی و کردی

به‌دره‌دین، سه‌لاح. ۲۰۰۳. *بزوتنه‌وهی نه‌ته‌وهی کورد له سوریا: تیروانینیکی ره‌خنه‌یی له ناوه‌وه، بی شوین.*

لازاریف، م.س. محوی، ش.خ. واسیلییه‌وای، ای. حسرتیان، م.آ. و او. ای. ژیگالینا. *کردستان معاصر، مسائل جنبش کرد، ترجمه کامران امین آوه، بی جا.* سمایل، عوسمان عه‌بدو‌لره‌حمان. ۲۰۰۶. *کورد له سوریا: لیکولینه‌وه‌یه‌کی جوگرافی، سیاسی و روشنبیری، دهوک: چاپخانه‌ی خانی.*

غه‌فور، حه‌مه. ۲۰۱۲/۱۱/۲۵. *سوریا و ریزبه‌ستنی حزبه ناسیونالیسته‌کانی کورد و نه‌گه‌ری شه‌ری ناوخوی نیوان باله‌کانی، ده‌س ده‌که وی له:*

[www.knewsdaily.org/DWtar.aspx?Jimare=2875](http://www.knewsdaily.org/DWtar.aspx?Jimare=2875)

کندال، عصمت شریف وانلی، مصطفی نازدار. ۱۳۷۲. *کردها، با مقدمه‌ای از ماکسیم رودنسون و پیشگفتاری از ژاژ شالیان، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: روزبهان. نازم، ئالان. ۲۰۱۲/۹/۳. کورد له سوریا... هیمنی پیش زریان، ده‌س ده‌که وی له:*

[www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=20517](http://www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=20517)

نصری، قدیر. ۱۳۹۰. «الگوی روش‌شناختی برای سنجش وزن حرکت‌های قومی، مذهبی و دینی»، منتشر شده در مجموعه مقالات ششمین همایش ملی انجمن علمی علوم سیاسی ایران با عنوان: *سیاست و آینده پژوهی، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۹۰.* ونت، الکساندر. ۱۳۸۴. *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.*

ئه‌نوه، هه‌لوئیست. ۲۰۱۲/۸/۴. *تورکمانه‌کانی سوریا دوو لیوای سه‌ربازی پیک ده هینن، وه‌رگیراوه له:*

[xendan.org/dreja.aspx?hewal&jimara=42740&Jor=3](http://xendan.org/dreja.aspx?hewal&jimara=42740&Jor=3).

[www.krg.org/articles/detail.asp?rnr=26&lngnr=13&smap=01010200&anr=45278](http://www.krg.org/articles/detail.asp?rnr=26&lngnr=13&smap=01010200&anr=45278).

[www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=19604](http://www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=19604).

[www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=19879](http://www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=19879).

[www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=24956](http://www.nrttv.com/dreje.aspx?jimare=24956).



- Escobar, Pepe. 02 Sep 2012. **Could a State for Greater Kurdistan be on the Horizon?**, Available at [www.aljazeera.com/indepth/opinion](http://www.aljazeera.com/indepth/opinion).
- Associated Press. 20/08/2012. "As Civil War Rages Across Much of Syria", **Kurds Quietly Take Control in Northeast**, Available at: [www.washingtonpost.com/world/middle\\_east](http://www.washingtonpost.com/world/middle_east).
- Center for Middle Eastern Strategic Studies. August 2012. "Kurdish Movements in Syria", **Orsam Report**, No. 127.
- Dehghanpisheh, Babak. 18 August 2012. "In Syria, role of Kurds divides Opposition", Available at [www.washingtonpost.com/world/middle\\_east](http://www.washingtonpost.com/world/middle_east).
- Human Rights Watch. October 1996. **Syria: the Silenced Kurds**, Vol. 8, No. 4(E).
- Gurr, T. R. 1999. **Peopels Versus States**, New York: Palgrave.
- International Crisis Group. 22 January 2013. "Syria's Kurds: A Struggle Within a Struggle", **Middle East Report**, No. 136.
- Kakal, Aral. 02/08/2012. **Truth Comes Out: Iraqi Kurds are Training Syrian Brothers in Arms**, Available at [www.niqash.org/articles/?id=3100&lang=en](http://www.niqash.org/articles/?id=3100&lang=en).
- Kakal, Aral. 20/9/2012. **A Journey into the New Kurdistan: Whose Side are Syria's Kurds on?**, Available at [www.niqash.org/articles/?id=3127&lang=en](http://www.niqash.org/articles/?id=3127&lang=en).
- Lowe, Robert. January 2006. "The Syrian Kurds: A People Discovered", **Chatham House, Middle East Programme**, MEP BP 06/01.
- McDonnell, Patrick. J. 27 July 2012. **Turkey Says it Won't Let Kurdish Rebels Operate in North Syria**, Available at [www.latimes.com/news/nationworld/world](http://www.latimes.com/news/nationworld/world).
- Tejel, Jordi. 2009. **Syria's Kurds: History, Politics and Society**, New York: Routledge.
- Yildiz, K. 2005. **The Kurds in Syria the Forgotten People**, London: Pluto Press.
- Ziden, Radwan. 2011. **Power and Policy in Syria: Intelligence Services, Foreign Relations and Deemocracy in the Modern Middle East**, London: Ny, L. B Tauris.